

موضوع ابلیس نزد ما امری ساده و پیش پا افتاده است به گونه‌ای که روزی چندبار او را لعنت کرده و از شرّ آن به خدا پناه می‌بریم و بعضی افکار پریشان خود را به این دلیل که از ناحیه اوست تقبیح می‌کنیم. اما باید دانست که این موضوع بسیار قابل تأمل و شایان دقت است. شایسته است منظر قرآن کریم را درباره حقیقت آن که موجودی عجیب و در عین حال از حواس ما غایب است ولی تصرّفات عجیبی در عالم انسانیت دارد، جویا شویم؟! چرا نباید در صدد شناخت شیطان برآییم؟ چرا در شناخت این دشمن خانگی و درونی خود بی‌اعتناییم؟ دشمنی که از روز پیدایش بشر تا آنگاه که دست او از دامان هستی کوتاه شود به دنبال اوست! دشمنی که در عین حال که از آشکار همه باخبر است، از نهان آنان نیز اطلاع دارد و حتی از نهفته‌ترین افکاری که در زوایای ذهن و فکر آدمی جا دارد باخبر است. علاوه بر این که با خبر است، در پی دسیسه و گمراه ساختن صاحب آن نیز هست. <sup>(۱)</sup> ما فرزندان آدم، شدیداً در معرض خطر انحراف از سوی «ابلیس» آن مکار پلید قرار گرفته‌ایم؛ همان دشمن غدار حيله‌گری که ابتدا بر حسب نقل قرآن کریم به والدین نخستین ما، آدم و حوا عليه‌السلام وعده نصیح و خیرخواهی داد و سوگند وفاداری یاد کرد؛ و قاسمهما اَنّی لکما لمن الناصحین. و برای آن دو قسم خورد که من از خیرخواهان و نصیحت‌کنندگان شمایم، اما با این همه، آن خیانت درباره آنان روا داشت که سبب خروجشان از بهشت و هبوطشان به زمین و مبتلا شدنشان به زندگی پرمحنت زمینی گردید. حال، همان شتاد پر مکر و فریب با فرزندان بنی آدم نیز همان می‌کند. وی ما را با کمال صراحت و شدت، تهدید به خیانت و راهزنی است، «لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ»، و به یقین در سر راه مستقیم تو، برای گمراه‌سازی آنان می‌نشینم. و اکیداً سوگند بر «إِغْوَاء» بنی آدم یاد کرده است که «فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» به عزّت سوگند، همه آن‌ها را اغواء خواهم کرد و به گمراهی خواهم کشانید. آری آنجا که وعده «امانت» داده بود، آن گونه خیانت کرد، پس اینجا که صریحاً وعده «خیانت» داده است چه خواهد کرد؟ <sup>(۲)</sup> و لذا بر هر خردمندی لازم است که به فرمایش خداوند توجه داشته باشد که می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» <sup>(۳)</sup> به درستی که شیطان دشمن شماست پس شما نیز او را به عنوان دشمن در نظر آورید. انسان باید به شناخت این دشمن و دام‌های آن اقدام کند و با دست توسل به دامان پاک اهل بیت پیامبر عليه‌السلام زمینه وصول خود را به زمره مخلصین هموار و فراهم سازد. و از آنجا که شناخت و معرفت، زمینه‌ای لازم برای رسیدن به این مقصود است برخی نکات و مطالب مفید را از دیدگاه قرآن، در این نوشتار می‌آوریم.

### معنای ابلیس و شیطان

در قرآن مجید، در یازده مورد از کلمه ابلیس یاد شده است <sup>(۴)</sup> که در معنای این کلمه اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی معتقدند که در اصل فارسی بوده و از جمله کلماتی است که از غیر زبان عربی در قرآن آمده است. اما برخی معتقدند این کلمه تحریف شده «دیاولس» یونانی است. <sup>(۵)</sup> و اما کلمه شیطان در قرآن کریم به صورت مفرد در هفتاد مورد و به صورت جمع در هجده مورد آمده است. <sup>(۶)</sup> درباره ریشه کلمه شیطان برخی معتقدند «شَطَن» می‌باشد به معنای دوری و بُعد و لذا شیطان را شیطان گفته‌اند به خاطر دوری و بُعد او از حق و تَمَرّد او از فرمان خدا.

و برخی دیگر معتقدند: ریشه کلمه شیطان «شَيْطَ» است که در اصل اشاره دارد به از بین رفتن یک شیء چه از طریق سوختن و چه غیر آن و به قول دیگر، شیط یعنی سوختن از روی غضب و شیطان را شیطان گویند چرا که از آتش خلق شده است. همچنان که در سوره ص آیه ۷۶ آمده است: «... خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ...» مرا از آتش آفریدی. و نیز در سوره کهف داریم «فَسَجَدُوا لِلْإِبْلِيسِ كَانَ مِنَ الْجِنِّ» <sup>(۷)</sup> پس همه (ملائکه) سجد کردند به جز ابلیس که از جن بود، با توجه به آیه ۱۵ سوره الرحمن که خلقت جن را از زبان‌ها و شعله‌های آتش می‌داند و می‌فرماید: «و خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ» و جن را از زبان‌ها و شعله‌های آتش خلق کرد، معلوم می‌شود شیطان از آتش آفریده شده است. بنابراین باید گفت ابلیس اسم خاص است، برای آن متمرّد رانده شده از درگاه الهی و شیطان اسم عام است برای هر موجود موذی و شریر.

### انواع شایطین

بر اساس آیات قرآن، شایطین به دو دسته انسی و جَنّی تقسیم می‌شوند: آنجا که می‌فرماید: «و كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَاطِئِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ» <sup>(۸)</sup> و این چنین برای هر پیامبری، دشمنی از جنس شیطان‌های انسی و جَنّی قرار دادیم، که از تقدّم انس بر جن معلوم است خطر و شرارت شایطین انسی از شایطین جن بیش‌تر بوده و خداوند از این طریق قصد توجه دادن آدمی به این موضوع دارد و هم‌چنین آیات قرآن، ذریه و قبیله و لشکریانی را برای شیطان معرفی می‌فرماید که هر کدام از این‌ها، کمک و

مددکار او در اغواء و گمراه کردن بنی آدمند، قرآن می‌فرماید: «أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ»<sup>(۹)</sup>، آیا او و ذریه‌اش را اولیاء خود می‌گیرید. و با این بیان، قصد سرزنش و توبیخ دارد و در جای دیگر می‌فرماید: «إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ»<sup>(۱۰)</sup> شیطان و قبیله‌اش شما را از جایی که شما آن‌ها را نمی‌بینید، زیر نظر دارند و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «... وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ»<sup>(۱۱)</sup> با تمام لشکریان سواره و پیاده‌ات بر آنان احاطه کن.

علامه طباطبائی رحمته الله در این رابطه می‌فرماید: از آیات کریمه قرآن معلوم می‌شود که لشکریان شیطان در کندی و تندی در عمل همه مثل هم و برابر هم نیستند، بعضی تند و بعضی کند هستند به شهادت این آیه که بعضی لشکریان او را سواره و بعضی را پیاده معرفی کرده است.<sup>(۱۲)</sup>

#### فلسفه آفرینش شیطان

در رابطه با فلسفه آفرینش شیطان باید گفت: شیطان، وسیله و عاملی است برای آزمایش و امتحان انسان که با خواسته‌ها و دعوت‌های او به سمت شر و پلیدی هویت و واقعیت هر فردی آشکار می‌شود. حال در این جا یک سؤال مطرح است: آیا مگر نفس اماره آدمی در این آزمایش کفایت نمی‌کند؟ در پاسخ باید گفت: بله نفس اماره وسیله خوبی است در آزمایش آدمی ولی نقش شیطان در اینجا، شبیه کاتالیزور در آزمایشات طبیعی و آزمایشگاهی می‌باشد. یعنی شیطان سرعت‌دهنده خوبی است در هویدا شدن واقعیت آدمی و در اصل نتیجه آزمایش و امتحان آدمی توسط خداوند، سریع‌تر و زودتر و مشخص‌تر بیان می‌شود.

.....پی‌نوشت‌ها

۱. طباطبائی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۴۶، ۴۷
۲. ضیاء آبادی، سید محمد، موعظه راه پیشگیری از نفوذ شیطان در دل انسان، ص ۶
۳. فاطر / ۶
۴. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ص ۱۳۴
۵. محقق، محمدباقر، دائرة الفرائد، ج ۳، ص ۴۲۷
۶. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ص ۳۸۳، ۳۸۲
۷. کهف / ۵۰
۸. انعام / ۱۱۲
۹. کهف / ۵۰
۱۰. اعراف / ۲۸
۱۱. اسراء / ۶۴
۱۲. طباطبائی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۲۴۵



# ه شده